

The Enumerative Elements of the Concept of the “United Ummah” in the Formation of a Global Government in Islamic Political Thought¹

Reza Rahbar 

PhD in Islamic Jurisprudence and Criminal Law, Shahid Motahari University

rezarahbar1378@yahoo.com



Abstract

The establishment of a unified global government is among the lofty objectives of the Sharia and represents the supreme purpose behind the legislation of Islamic laws. “Government,” as the most significant political institution of humankind, rests upon two fundamental pillars: one reflecting its form and structure, and the other signifying its essence and content. Each of these pillars consists of several components. In discussions on the form and structure of government, scholars and thinkers of Islamic jurisprudence and political thought have identified various components necessary for the establishment of a governing system, among which is the element of the “*United Ummah*.” This study seeks to answer the question: What elements must be realized among Muslims and within the Islamic community for the concept of the “United Ummah” to be fully actualized? Adopting a descriptive–analytical approach and relying on library sources and relevant software tools, this research identifies and analyzes the essential and influential elements

1. Rahbar, R. (2024). The Enumerative Elements of the Concept of the “United Ummah” in the Formation of a Global Government in Islamic Political Thought. *Jurisprudence and Politics*, 5(2), pp. 90-119. <https://doi.org/10.22081/ijp.2025.72197.1079>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Specialized

▣ **Received:** 2025/06/26 • **Revised:** 2025/09/12 • **Accepted:** 2025/11/12 • **Published online:** 2025/12/03

required for realizing this concept as one of the fundamental components in establishing the global Islamic government. The findings indicate that, based on the sources of Islamic jurisprudence (Qur'anic verses, hadiths) and relevant jurisprudential principles—such as the principles of “*cooperation in good deeds*” and “*preservation of order*”—three main characteristics are essential for realizing the concept of the “*United Ummah*.” These three elements must coexist within a Muslim society for it to truly embody the notion of a *united ummah*: (1) maintaining moderation and balance, (2) nurturing a spirit of service and altruism, and (3) avoiding division in religious matters and adhering to the Islamic ruler.

بعض خصائص مفهوم "الأمة الواحدة" في تشكيل حكومة عالمية

في الفكر السياسي الإسلامي^١

رضا رهبر 

دكتوراه في الفقه والقانون الجنائي من جامعة شهيد مطهري.
 reza rahbari378@yahoo.com



الملخص

تعدّ الحكومة العالمية الواحدة من المقاصد السامية للشرعية، والمقصد الأسمى لتشريع الأحكام الإسلامية. وللحكومة، باعتبارها أهم مؤسسة سياسية للبشرية، ركنان أساسيان، أولهما يُعبّر عن شكلها وهيئتها، والثاني يُشير إلى حقيقتها ومضمونها، ويتكوّن كل ركن من هذين الركنين من عناصر. في نقاشاتهم حول شكل وبنية الحكومة، حدد علماء الفقه والسياسة الخصائص التي تُشكّل أي مؤسسة حكومية، بما في ذلك ركن "الأمة الواحدة".

السؤال الأساسي في هذا البحث هو: ما هي الخصائص التي يجب أن تتوفر لدى المسلمين والمجتمع الإسلامي حتى يتحقق مفهوم "الأمة الواحدة" بمعناه الحقيقي؟ يسعى هذا البحث الذي تم إعداده باستخدام المنهج الوصفي التحليلي وبمساعدة المصادر المكتبية والبرامج ذات الصلة إلى توضيح الخصائص الضرورية والفعالة لتحقيق المفهوم المذكور كأحد المكونات الأساسية لإقامة حكومة إسلامية عالمية. وتشير نتائج البحث إلى أنه من خلال استنباط الأحكام الشرعية (الآيات والروايات) والقواعد الفقهية المتعلقة بقضايا الحاكّية الإسلامية، ومنها قاعدة "التعاون على البرّ" (الروايات) والقواعد الفقهية المتعلقة بقضايا الحاكّية الإسلامية، ومنها قاعدة "التعاون على البرّ"

١. الاستشهاد بهذا المقال: رهبر، رضا. (١٤٠٣). بعض عناصر مفهوم "الأمة الواحدة" في تشكيل حكومة عالمية في الفكر السياسي الإسلامي. الفقه و السياسة، ٥(١٠)، صص ٩٠-١١٩.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.72197.1079>

□ نوع المقال: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب الإعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/٠٦/٢٦ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٩/١٢ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/١١/١٢ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٢/٠٣

وقاعدة "حفظ النظام" وغيرها، ويمكن تحديد ثلاث خصائص أساسية لتحقيق مفهوم "الأمة الواحدة"، ولا بد من توافر هذه العناصر الثلاثة لدى أفراد المجتمع الإسلامي لتحويله إلى "الأمة الواحدة". وهذه الخصائص الثلاثة هي: مراعاة الاعتدال والتوازن، وروح الخدمة والإيثار، وعدم الاختلاف في الدين والطاعة للحاكم الشرعي.

الكلمات المفتاحية

الأمة الواحدة، الحكومة العالمية، قاعدة حفظ النظام، الوسطية والاعتدال، عدم الاختلاف في الدين.

عناصر شماری مفهوم «أمت واحد» در تشکیل حکومت جهانی

در اندیشه سیاسی اسلام^۱

رضا رهبر

دکتری فقه و حقوق جزا دانشگاه شهید مطهری
rezarahbar1378@yahoo.com



چکیده

حکومت واحد جهانی از جمله اهداف والا شریعت و مقصود اعلی از تشریع احکام اسلامی است. «حکومت» به عنوان مهمترین نهاد سیاسی بشر دارای ۲ پایه کلی است که اولی بیانگر شکل و صورت آن و دومی نشانگر حقیقت و محتوای آن است و هر یک از این ۲ رکن از مولفه‌هایی تشکیل شده است. در بحث شکل و صورت حکومت، عالمان و اندیشمندان فقه و سیاست، مولفه‌هایی را جهت تشکیل نهاد حکومت بر شمرده‌اند، از جمله این مولفه‌ها، مولفه «أمت واحد» است.

پرسش این است که چه عناصری باید در میان مسلمانان و جامعه اسلامی محقق شود تا مفهوم «أمت واحد» به معنای واقعی آن محقق شود؟ در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم افزارهای مرتبط، به تبیین عناصر لازم و موثر در راستای تحقق مفهوم مزبور به عنوان یکی از مولفه‌های لازم برای تشکیل حکومت جهانی اسلام پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در ادله استنباط احکام شرعی (آیات و روایات) و قواعد فقه مرتبط با مباحث حکومت اسلامی از جمله قاعده «تعاون بر امور نیک» و قاعده «حفظ نظام» و... و ۳ ویژگی اصلی را برای تحقق مفهوم «أمت

۱. **استناد به این مقاله:** رهبر، رضا. (۱۴۰۳). عناصر شماری مفهوم «أمت واحد» در تشکیل حکومت جهانی در اندیشه سیاسی اسلام. فقه و سیاست، ۵(۱۰)، صص ۹۰-۱۱۹.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.72197.1079>

□ نوع مقاله: تخصصی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

واحد» می‌توان بر شمرد به گونه‌ای که هر ۳ عنصر با هم باید در میان افراد یک جامعه مسلمان وجود داشته باشد تا آن جامعه را تبدیل به «اُمت واحد» کند. این ۳ عنصر عبارتند از: رعایت اعتدال و میانه‌روی، روحیه خدمت‌رسانی و ایثار، عدم اختلاف در امر دین و تبعیت از حاکم اسلامی.

کلیدواژه‌ها

اُمت واحد، حکومت جهانی، قاعده حفظ نظام، اعتدال و میانه‌روی، عدم اختلاف در دین.

مقدمه

عصر جدیدی که ما در آن به سر می‌بریم، شاهد یکی از قدرتمندترین و پردامنه‌ترین رخدادهای تاریخ بشریت؛ یعنی «جهانی شدن» است؛ این پدیده حوزه‌های مختلف و متنوعی از حیات جوامع انسانی (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی) را در بر گرفته و موجب دگرگونی‌های بسیاری در مرزهای هویتی و حتی جغرافیایی زندگی بشر شده است. پوشیده نیست که یکی از آرمان‌های اصیل دین مبین اسلام که در قرآن کریم و روایات به آن پرداخته شده و از جمله مولفه‌های لازم و حیاتی جهت تشکیل حکومت جهانی اسلام - که به وسیله آن سعادت و خوشبختی تمامی مسلمانان را در پی خواهد داشت - معرفی شده است، تشکیل امت واحد اسلامی، حول عقاید و آموزه‌های مشترک دینی با هدف تبدیل شدن مسلمانان به قدرت واحد شکست ناپذیر و غیرقابل نفوذ است که بتواند از حقوق و منافع مسلمانان در برابر انواع تهاجمات فکری، اقتصادی، نظامی و... حمایت کند. در ابتدای امر به نظر می‌رسد که سخن از مفهوم «امت واحد» چندان مفید نباشد، چرا که مفهوم مزبور از جمله مفاهیم واضح و مسلم بوده و نیازی به صحبت در اطراف و حدود و ثغور آن نیست؛ با اینکه این مفهوم از جمله مفاهیم مسلم در معارف اسلامی است اما با تأسف باید اذعان کرد که یکی از عوامل موثر در عدم تحقق این مفهوم بنیادین از صدر اسلام تاکنون، غفلت و سهل‌انگاری پژوهشگران و صاحب نظران در این بوده است؛ در تشکیل «امت واحد» عوامل متعدد محیطی و فرهنگی و اجتماعی و... می‌تواند تأثیر گذار باشد، اما آنچه که مهم است لزوم توجه به عوامل و عناصر مهم و اساسی در تشکیل این مفهوم بنیادین است؛ به دیگر سخن عوامل محیطی و فرهنگی و... با اذعان به موثر بودن آنان، جنبه فرعی داشته و مداخلیت خاص و اساسی در تشکیل «امت واحد» نخواهد داشت.

بنابراین با عنایت به اهمیت مفهوم امت واحد و جایگاه رفیع آن در اعتلاء اسلام و جامعه اسلامی، می‌بایست به بیان مولفه‌های لازم در راستای تشکیل «امت واحد» و حکومت جهانی اسلام به تحقیق و پژوهش مقتضی پرداخته شود. با تتبع در منابع استنباط احکام می‌توان مولفه‌ها و عناصر متعددی را بر شمرد، اما آنچه که در این پژوهش

مطمح نظر واقع شده است بررسی عوامل و عناصری است که جزء ارکان اصلی تشکیل دهنده «أمت واحد» بوده است و دلیل بر رکنیت مواردی که اشاره خواهد شد، فراوانی آیات و روایات صادره از ائمه اطهار علیهم السلام بوده که نشان از اهمیت ویژه عوامل مزبور در تشکیل أمت واحد و حکومت جهانی اسلام دارد.

پیشینه پژوهش

در زمینه أمت اسلامی، تحقیقات و مقالات گوناگونی به رشته تحریر در آمده است اما هیچ یک به بیان عناصر شماری مفهوم «أمت واحد» به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در تشکیل حکومت جهانی اسلام نپرداخته است و این خود حاکی از جدید بودن موضوع پژوهش حاضر است. در ذیل به برخی از تحقیقات به عمل آمده اشاره خواهد شد:

- ۱) رضایی، اسدالله. «اندیشه‌ای أمت واحد در قرآن»، مجله گفتمان وحی، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سال سیزدهم - شماره ۲۱ (۲۶ صفحه - از ۷ تا ۳۲).
- ۲) مهاجر میلانی، امیر. «امکان سنجی تقریب بر پایه مفهوم امت واحد در دوره معاصر؛ ظرفیت‌ها، موانع و راهکارها»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، بهار و تابستان ۱۴۰۱ - شماره ۵۷ رتبه: ج/ISC (۲۱ صفحه - از ۵ تا ۲۵).
- ۳) خوشدل، حسین. «بازشناسی معنای امت واحد با تأکید بر آیه؛ و لو شاء ربّک لجعل الناس أمة واحدة و لا یزالون مختلفین» (هود، ۱۱۸)، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، بهار و تابستان ۱۳۹۹ - شماره ۱۶ رتبه: ب/ISC (۱۶ صفحه - از ۲۹ تا ۴۴).
- ۴) طیبی، محمد؛ یعقوب پور، ملیحه. «مطالعه تطبیقی نظرات تفسیری فریقین درباره امت واحد در آیه ۲۱۳ سوره بقره»، اندیشه‌های قرآنی متفکران معاصر، پاییز ۱۳۹۷ - شماره ۱۲۷ (۱۶ صفحه - از ۱۲۱ تا ۱۳۶).
- ۵) عبدالحانی، ماجده. «ضرورت اتحاد و اخوت اسلامی از منظر قرآن و حدیث، قرآنی کوثر» نیمه دوم تابستان و نیمه اول پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۶۰ (۱۶ صفحه - از ۹۵ تا ۱۱۰).

همان گونه که ملاحظه می شود در تمامی آثار اشاره شده، صرفاً به معناشناسی و یا بیان ضرورت اتحاد و تشکیل اُمت واحد پرداخته شده و همچنین در برخی از آثار به بررسی تفسیری مفهوم مزبور پرداخته اما هیچ کدام به واکاوی و عناصر شماری و عوامل دخیل در تشکیل مفهوم مزبور نپرداخته اند.

۱. مفاهیم

۱-۱. تعریف «اُمت»

واژه «اُمت» به لحاظ لغت از ریشه «اُمّ» اخذ شده است و به معنای هر جماعتی که نوعی رابطه و وحدت در میان آنها باشد؛ خواه وحدت دینی یا از نظر زمان و مکان، و یا هدف و مرام، گفته می شود و در اصل ماده «اُمّ» به معنای هر چیزی است که اشیاء دیگری به آن ضمیمه گردد معنا شده است؛ همچنین این واژه به معنای مادر نیز در کتب لغت معنا و مورد استعمال واقع گشته است، بنابراین به اشخاص متفرق و پراکنده «اُمت» گفته نمی شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۸۶).

واژه امت در قرآن کریم ۶۵ بار به صورت مفرد یا جمع آمده است. در قرآن امت به معنی «مردم» و یا عده ای از انسان ها که با یکدیگر پیوند دینی دارند، آمده، و در حدیث که بارها به صورت های «امت محمد»، یا «امتی» (از زبان پیامبر)، یا «اُمم» وارد شده، به معنی جماعتی به کار رفته است که از یک پیامبر پیروی می کنند (ترکی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۰). بنابراین با توجه به تعاریف فوق می توان «اُمت» را به هر دسته و یا جماعتی که دارای هدف مشخص و مشترک بوده و در راستای آن اقدام به فعالیت می نمایند و منسوب به فرقه و یا گروه و یا افراد خاصی می باشند، دانست.

۲-۱. تعریف و ماهیت «حکومت»

«حکم و حکومت» در اصل به معنای قضاوت و داوری کردن براساس عدل، فیصله دادن، دانش، معرفت و ادراک، ثبوت، استقرار و اتقان، بازداشتن یا نهی کردن،

فرمان دادن و فرمان بردن، بازداشتن برای اصلاح و به سامان آوردن چیزی معنا شده است (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۲۴۱).

در اصطلاح فقهی واژه «حکومت» این گونه تعریف شده است: «حکومت اسلامی عبارت است از رعایت و حفظ شوون اُمت براساس شریعت اسلامی و به همین جهت بارها بر حاکم (فرمانروا) اسم «راعی» و بر فرمانبرداران (مردم) نام «رعیت» اطلاق شده است؛ همان گونه که در حدیث شریف (کلکم «راع» و کلکم مسؤول عن «رعیت» آمده است) (شهید صدر، ۱۴۰۷ق، ص ۶).

از منظر شهید صدر برای تشکیل «حکومت اسلامی» وجود ۳ عنصر لازم و ضروری است:

۱) وطن اسلامی (دارالاسلام)؛ اولین عامل در جهت تشکیل حکومت جهانی آن است که باید سرزمین مسلمانان معلوم و مشخص باشد.

۲) اُمت واحد اسلامی؛ مقصود از امت واحد اسلامی، مردم مسلمان پیرو دین اسلام در سراسر جهان است.

۳) استخلاف سیاسی؛ منظور از آن جانشینی انسان به جای خدا در زمین در بُعد سیاسی است که بیانگر اصل حاکمیت انسان ها بر سرنوشت خویش است (شهید صدر، ۱۴۰۷ق، ص ۸).

در جمع بندی از تعریف مفهوم «حکومت» باید گفت، در تشکیل مفهوم حکومت، می بایست ۳ عنصر وطن و اُمت و خلافت سیاسی انسان ها، وجود داشته باشد؛ به گونه ای که انسان باید حاکم بر سرنوشت خود باشد و آزادانه و با توجه به دستورات شریعت اسلام به برپایی حکومت عدل الهی در زمین اقدام نماید

۲. مولفه های تشکیل «اُمت واحد» در ادله استنباط احکام

با تتبع در آیات و روایات و آموزه های دینی می توان برای تشکیل «اُمت واحد» ۳ عنصر ویژه و اساسی را بدست آورد که در ادامه به شرح و توضیح هر یک از عناصر و ادله آن پرداخته خواهد شد.

۲-۱. اعتدال و میانه‌روی

اعتدال مصدر باب افتعال از ریشه «عَدَلَ، يَعْدِلُ» و در لغت به معنای حدّ متوسط بین دو وضعیت دیگر را می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۸۵). و به‌طور کلی به هر گونه تناسبی که لازمه آن برقراری مساوات بین جهات مختلف است اطلاق می‌شود. از این رو نقطه مقابل اعتدال، افراط و تفریط نامیده می‌شود (مصطفوی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۶۳۵).

در دین مبین اسلام به اعتدال و میانه‌روی در امور مختلف سفارش و تأکید بسیار شده است، این امر تا آنجا بدان توجه شده است که در تمامی احکام فرعیه دین می‌توان نمود آن را مشاهده کرد، چراکه شارع مقدس با وضع قواعد فقهی همچون «لاضرر» و «لااخرج» و... و حکومت این دسته از قواعد بر سایر احکام در مقام بیان اهمیت اعتدال در وضع قوانین و مقررات است.

در ادامه به ذکر و بررسی مهمترین دلایل از آیات و روایات مبنی بر لزوم «میانه‌روی» به عنوان یکی از عناصر دخیل در تشکیل مفهوم «أمت واحد» پرداخته خواهد شد:

۲-۱-۱. آیات

الف) آیه ۱۴۳ سوره بقره: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا....»؛ «و همان گونه [که شما را به راه راست هدایت کردیم] شما را امتی میانه [و معتدل و پیراسته از افراط و تفریط] قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم گواه بر شما باشد»

آنچه به‌طور واضح از این آیه برداشت می‌شود آن است که بر طبق این آیه أمت اسلام، امتی میانه‌رو و معتدل است؛ زیرا که کفار و مشرکان که اعتقاد به الوهیت نداشته و مادی‌گرا می‌باشند و همه امور را در همین دنیای فانی خلاصه می‌کنند دچار تفریط شده و برخی از اهل کتاب، مانند یهودیان که صرفاً جانب روح را تقویت می‌کنند و از مسائل مادی و دنیوی کنار کشیده و رهبانیت را برگزیده‌اند نیز دچار افراط شده‌اند. اما دین اسلام، مسلمانان را به راه وسط و میانه هدایت می‌کند راهی که در آن افراط و تفریط وجود ندارد. موید این مطلب نیز آن است که در ادامه آیه از عبارت «شُهَدَاءَ عَلَى

النَّاسِ» استفاده شده است که معنای آن این است که چون اُمت اسلام میانه‌رو است برای همین است که گواه و شاهدهی بر سایر اقوام و ملل و آیین‌ها و مذاهب می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۸۱).

نکته قابل توجه آن است که در آیه، شریفه مسلمانان را به‌عنوان «اُمت واحد» ذکر کرده و از میان هزاران ویژگی، «اعتدال و میانه‌روی» به‌عنوان ویژگی بارز این اُمت و عامل وحدت میان مسلمانان ذکر کرده است. با اینکه مقصود از «اعتدال» در این آیه، اعتدال در امر دین و رعایت دستورات شرعی است، اما شأن نزول آیه توانایی تخصیص و تقیید آیه را به مورد خاص ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۱). بنابراین با استفاده از ملاک آیه و عبارت «شُهِدَاءَ عَلَى النَّاسِ» می‌توان فهمید که آنچه که مسلمانان را از انحراف از راه راست محافظت کرده و موجب حفظ وحدت و انسجام اُمت و پایداری آن می‌شود همین مفهوم «اعتدال و میانه‌روی» آن هم در تمامی شئون و امور است.

ب) آیه ۱۳۵ سوره طه: «قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى»؛ «بگو: هر یک [از ما و شما] منتظریم، پس منتظر باشید که به زودی خواهید دانست که رهروان راه راست و میانه و ره یافتگان چه کسانی هستند؟».

در این آیه شریفه خداوند متعال به تقابل میان مسلمانان و کفار می‌پردازد، چرا که کفار خود را هدایت یافته و مسلمین را گمراه خطاب می‌کردند. نکته لطیفی که در این آیه وجود دارد آن است که مقصود از «أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ»، امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشند و مقصود از «وَمَنِ اهْتَدَى»، یاوران و پیروان آنان است (قرائتی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۱۵)، و خداوند متعال ائمه اطهار علیهم‌السلام و یاوران آنان را گروه و اُمت راه راست و میانه که دچار انحراف و کج‌روی نیست، معرفی کرده است؛ بنابراین با توجه به نکات فوق می‌توان گفت که ویژگی بارز ائمه اطهار علیهم‌السلام و مسلمانان پیرو آن، اعتدال و میانه‌روی در کلیه امور است و همین امر نیز باعث شده است آنان با یکدیگر مجتمع واحد اسلامی را تشکیل بدهند؛ به دیگر سخن از آنجایی که ائمه اطهار علیهم‌السلام همواره خود اُسوه اعتدال و عدالت بوده‌اند، همین امر سبب گرایش مردم به آنان شده و با محوریت آن بزرگواران، دولت و گروهی واحد (أصحاب الصراط السوی) و با شعار اعتدال در برابر مشرکان و کفار تشکیل داده‌اند.

۲-۱-۲. روایات

در ارتباط با لزوم رعایت اعتدال و میانه‌روی به‌عنوان یکی از ارکان لازم جهت تشکیل اُمت واحد اسلامی، روایات مختلف و متعددی از ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده است که در ذیل به جهت رعایت اختصار به ذکر ۲ روایت بسنده و به شرح و بررسی آن خواهیم پرداخت.

الف) روایت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «بر شما باد میانه‌روی و رعایت اعتدال. زیرا قوم و اُمتی که میانه‌روی را پیشه خویش ساختند هیچ‌گاه دچار تفرقه و جدایی نگردیدند» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۸۷).

براساس این روایت آنچه که موجب وحدت و انسجام و مستوجب تشکیل اُمت واحد می‌شود، رعایت اعتدال و میانه‌روی است و این مطلب به وضوح از به کار رفتن عباراتی همچون «قوم و اُمتی....» و «تفرقه و جدایی نگردیدند» قابل استنباط است. به دیگر سخن، زمانی تصور مفاهیم «اُمت، تفرقه» امکان‌پذیر است که یک جمعیتی با شعار مشخص (اعتدال)، جهت رسیدن به هدف مشترک در کنار یکدیگر جمع شده باشند، وجود داشته باشد. با توجه به این مطلب و با عنایت به روایت فوق، دست یافتن به آن هدف ممکن نخواهد بود مگر در سایه سار رعایت اعتدال و میانه‌روی؛ چراکه در صورت تفرقه و جدایی و عدم وحدت، مرکزیت جمعیت و گروه از بین رفته و با تلاشی شدن گروه و مجتمع، اهداف مد نظر محقق نخواهد شد. نکته دیگری که می‌توان از اطلاق روایت مزبور و عبارت «پیشه خویش ساختند» استنباط کرد آن است که رعایت اعتدال جهت تشکیل «اُمت واحد»، باید به گونه‌ای در میان افراد جامعه اسلامی تنیده شده باشد که تبدیل به «ملکه» شده باشد؛ به عبارت دیگر رعایت اعتدال باید به گونه‌ای توسط مسلمین در امورشان رعایت شود که قابل مشاهده بوده و نمود خارجی داشته باشد.

ب) روایت منقول از امام باقر علیه‌السلام: «ما اُمت میانه هستیم» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۲، ص ۴۴۱). در این روایت کوتاه اما پر مغز از سوی امام باقر علیه‌السلام نیز به خوبی می‌توان لزوم «اعتدال» و «میانه‌روی» را به‌عنوان یکی از مولفه‌های لازم جهت تشکیل اُمت واحد

استنباط کرد؛ بدین بیان که از تعبیر ایشان مبنی بر اینکه مسلمانان همگی یک «أمت» را تشکیل می‌دهند و ویژگی و شاخصه اصلی این أمت – که آنان را تبدیل به أمت واحد به تعبیر قرآن کریم کرده است – همین ویژگی «عدالت محوری» در تمامی امور است؛ بنابراین در عصر غیبت نیز جهت برپایی حکومت واحد اسلامی لازم است که أمت مسلمان در تمامی اُمور خود میانه‌روی را سر لوحه کارهای خود قرار دهند.

۲-۲. روحیه خدمت‌رسانی به جامعه انسانی و ایثار و مهربانی

دومین عامل از عوامل موثر در تشکیل أمت واحد اسلامی، داشتن روحیه خدمت‌رسانی به جامعه و روحیه ایثار و مهربانی است. بی‌تردید از مهمترین ویژگی‌های بشر آن است که برای برآورده شدن حوائج روزانه خود، نیاز به ارتباط با هم‌نوعان خویش دارد و در این ارتباط انسان‌ها عموماً در پی کسب منفعت و دفع ضرر از خویش هستند. اما مردم مسلمان جهت تشکیل أمت و حکومت واحد اسلامی می‌بایست پا را فراتر نهاده و منافع جمعی را بر منافع فردی ترجیح دهند. در ذیل به بررسی ادله ناظر بر این مطلب پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۱. آیات

الف) آیه ۶۲ سوره نور: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحْجَبُونَ مِنْ هَاجِرٍ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ «و [برای] کسانی [از انصار] که پیش از مهاجران در سرای هجرت و ایمان [یعنی مدینه] جای گرفتند، [و] کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند دوست دارند، و در سینه‌های خود نیاز و چشم‌داشتی به آنچه به مهاجران داده شده است نمی‌یابند، و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی [به مال و متاع] باشد. و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته‌اند، اینان همان رستگارانند».

در تفسیر این آیه شریفه، أبو سعود عمادی از علمای اهل سنت این گونه می‌نویسد:

«این آیه مطلبی جدید را بیان می‌کند، می‌خواهد انصار را که از فیه سهم نخواستند مدح فرماید، تا دلگرم شوند. و جمله (الَّذِينَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ) مبتداء است، و خبر آن جمله (یحبون) می‌باشد، و منظور از این کسان، همان انصارند، و مراد از «تبوی دار» تعمیر خانه گلی نیست، بلکه کنایه است از تعمیر بنای مجتمع دینی، به‌طوری که همه صاحبان ایمان در آن مجتمع گرد آیند... و ویژگی بارز این مجتمع دینی آن است که در آن مردمانی دارای روحیه ایثار و از خود گذشته وجود دارد» (عمادی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۲۲۸).

همان‌گونه که از بیان این عالم اهل سنت بر می‌آید مهمترین عامل در جهت همسان سازی و اجتماع اُمت دینی و اسلامی همان ویژگی و خصوصیت ایثار و ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی است و این گونه است که جامعه اسلامی می‌تواند در سایه سار این صفت انسانی به فلاح و رستگاری (فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) خود برسد.

نکته مهمی که از آیه بدست می‌آید آن است که برای تعمیر و بازسازی جامعه اسلامی و تشکیل اُمت واحد چند موضوع باید توسط تمامی مردمان رعایت شود:

۱) حبّ و عدم دشمنی میان مسلمانان به جهت تفاوت‌های فرهنگی و قومیتی؛ این نکته از عبارت «يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ» بدست می‌آید؛ زیرا براساس شأن نزول این آیه، انصار به سبب مهاجرت مهاجران و اینکه افرادی از غیر هم وطن خود به آنان ملحق می‌شوند ناراحت نشده و بر عکس، الحاق آنان را نیرویی مضاعف جهت بازپروری بنیه اسلام و مسلمین می‌دانند؛ بنابراین در عصر حاضر نیز بر مسلمین واجب است که جهت تشکیل اُمت واحد با یکدیگر دوست و برادر^۱ بوده و نباید اختلافات قومیتی و فرهنگی مانعی جهت هم افزایی برای مقابله با دشمن خارجی باشد.

۲) عدم چشم داشت به اموال یکدیگر و روحیه ایثار و خدمت رسانی به دیگران؛ این مطلب نیز از عبارت «وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» بدست می‌آید؛ زیرا مطابق این فقره از آیه،

۱. «إنما المومنون إخوة» (حجرات، ۱۰)

انصار نسبت به اموال و داشته‌های مهاجرین هیچ‌گونه طمع و چشم داشتی نداشته بلکه بالعکس خود را موظف می‌دانستند که به آنان کمک و خدمت کرده و در مواقع حساس و تنگ دستی به یاری آنان شتافته و از اموال خودشان به آنان بدهند حتی اگر خود نیز بدان اموال احتیاج مبرم داشته باشند

۳) عدم بخل و حرص؛ این مطلب نیز از انتهای آیه و عبارت «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ....» قابل استنباط است. راغب اصفهانی در تبیین معنای «شُحَّ» می‌نویسد: «کلمه شُحَّ به معنای بخل توأم با حرص است، البته نه در یک مورد، بلکه در صورتی که عادت شده باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۷۶).

بنابراین معنای آیه این خواهد شد که «هر کس که خدا او را از شر تنگ چشمی و بخل حفظ فرموده، در نتیجه نه خودش از بذل مال مضایقه دارد، و نه از اینکه دیگران مالدار شوند ناراحت می‌شود». از این فقره نیز می‌توان ترجیح منافع جمعی بر فردی را بدست آورد؛ زیرا که مطابق نص آیه شریفه مردمان مسلمان جهت برپایی اُمت واحد اسلامی موظف هستند که از بخل و تنگ نظری دوری گزینند و به یاری هم نوعان و هم مذهب‌ان خویش بپردازند و منافع اجتماع را بر خود ترجیح دهند.

با عنایت به آنچه ذکر شد و با توجه به فرا زمانی و مکانی بودن دستورات قرآن کریم می‌توان فهمید که ویژگی مزبور (ایثار و از خود گذشتگی) منحصر به زمان امامت و رهبری پیامبر اکرم ﷺ نبوده است بلکه در تمامی زمان‌ها خصوصاً در زمانه کنونی جهت مقابله با دشمنان اسلام اقدام به تشکیل اُمت واحد اسلامی نموده و این امر میسر نخواهد بود مگر از رهگذر رعایت مصالح اجتماعی مسلمین بر مصالح فردی و قومی و تقویت روحیه ایثار و خدمت رسانی به هم نوع خویش.

ب) آیه ۱۱۰ سوره آل عمران: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ «شما بهترین اُمتی هستید که [برای اصلاح و خدمت به جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند و زشت باز می‌دارید، و [از روی تحقیق، معرفت، صدق و اخلاص] به خدا ایمان

می‌آورید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند قطعاً برای آنان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمن [به قرآن و پیامبرند] و بیشترشان فاسق اند».

برخی از مفسرین معاصر (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۴۷) در تفسیر این آیه این گونه اظهار نظر کرده‌اند:

«فعل "كُنْتُمْ" منسلخ از زمان است؛ بدان معنا که مردم مسلمان بهترین اُمّت‌ها در تمامی زمان‌ها بوده‌اند و مسلمین بهترین اُمّتی هستند که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج شده‌اند و وظیفه این اُمّت، اُمَر به معروف و نهی از منکر به صورت گستره و همگانی است».

آنچه که مستفاد از آیه مزبور است آن است که مسلمانان همواره و در طول تاریخ یک اُمّت واحد را تشکیل داده‌اند و یکی از عواملی که منجر به تبدیل شدن مسلمین به اُمّت واحد، همین روحیه خدمت رسانی آنان به دیگر انسان‌هاست و این مطلب بدین نحو از آیه قابل اصطیاد است که با عنایت به عبارت «أَخْرَجْتَ لِلنَّاسِ» از آنجا که مسلمانان علاوه بر اصلاح ذات البین، مسئول اصلاح جوامع بشری از طریق اشاعه کارهای نیک و نهی از ارتکاب امور ناپسند نیز هستند و این خود بزرگترین خدمت در راستای اعتلای زندگی مادی و معنوی بشریت است (قرائتی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۸۱)؛ به دیگر سخن، از آنجا که اُمّت اسلام به خداوند متعال و فرامین وی ایمان دارد و بدان عمل می‌کند، در نتیجه به جهت اشاعه کارهای نیک و بازداشتن از کارهای ناشایست در میان سایر ملل و اقوام به تبلیغ آن مفاهیم ارزشمند می‌پردازد و به‌طور قطع یکی از اعمال معروف _ که سفارش‌های بسیار زیادی نیز در شریعت بدان شده است و با انجام آن توسط مسلمین آنان تبدیل به اُمّت واحد شده‌اند _ بحث ترویج روحیه ایثار و خدمت رسانی به هم نوع است. در نتیجه وجه تمایز اُمّت واحد مسلمان با سایر مردمان کشورها در همین انسجام عملی و روحیه خدمت رسانی و دلسوزی آنان است

۲-۲-۲. روایات

الف) روایت منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاخُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ

الْجَسَدُ الْوَاحِدُ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ وَاحِدٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحَمَى وَالسَّهَرِ؛ «مؤمنان از نظر مهرورزی و عطوفت نسبت به یکدیگر مانند یک پیکرند که هرگاه عضوی از آن دچار دردی شود سایر اعضا (از راه تب و بیداری و ناراحتی) همدردی خود را با آن عضو ابراز می‌دارند و به کمکش می‌شتابند».

شیخ کلینی در کتاب «الکافی» (شیخ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۵)، این حدیثی را از پیامبر اسلام ﷺ نقل می‌کند که در آن مسلمانان را همچون یک پیکر تلقی کرده و لازمه پیکر بودن را نیز مهربانی و عطوفت و دلسوزی مسلمانان نسبت به یکدیگر دانسته است.

این روایت که در جوامع حدیثی و تفسیری أهل تسنن نیز با سند صحیح و معتبر ذکر شده است (حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۲۷)، در مقام بیان این مطلب است که از منظر شریعت محمدی، مسلمانان همچون یک پیکر واحد (أمت واحد) بوده که اعضای داخلی آن پیکر (مسلمانان) همواره با یکدیگر در کمال اتحاد و همبستگی بوده و چنانچه یکی از اعضا دچار مشکلی شود، باقی اعضا دغدغه‌مند به دنبال کمک و رفع مشکل از آن عضو می‌باشند به گونه‌ای که درد یک عضو، درد سایر اعضا محسوب می‌شود و این عامل، سبب رشد و ارتقاء و سلامتی آن پیکر خواهد شد.

به عبارت دیگر در این روایت، پیامبر مکرم اسلام ﷺ، اشاره به مفهوم والا و ارزشمند «خدمت رسانی در میان مسلمین» کرده‌اند و وجود این روحیه را لازمه بقاء أمت و حیات سیاسی و اجتماعی مسلمین بیان نموده‌اند؛ چراکه بدون وجود چنین روحیه‌ای و ترجیح منافع فردی بر اجتماعی، پیکره أمت اسلامی از بین رفته و موجب غلبه دشمنان و ورود آسیب‌های جدی بر جامعه اسلامی می‌شود اما در صورت رعایت همبستگی و اتحاد (با محوریت روحیه ایثار و خدمت رسانی) در مقابل جبهه کفر، سختی‌ها و ضرباتی که از دشمن به جامعه اسلامی وارد می‌شود قابل تحمل و بسرعت توان از دست رفته بازیابی خواهد شد؛ بنابراین، جهت تشکیل حکومت جهانی اسلام می‌بایست تمامی مسلمانان اعم از شیعه و أهل سنت و در سرتاسر کره خاکی با در نظر گرفتن این حدیث نبوی، به رفع مشکلات فرهنگی و اقتصادی و ... خود از طریق ارتباط گیری با سایر مسلمانان اقدام نمایند و بدین ترتیب با کاهش وابستگی خود به کشورهای

خارجی، زمینه اتحاد و همبستگی و نابودی جبهه مقابل را فراهم آورند.

ب) روایت منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ يَسْمَعْ رَجُلًا يَنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ «هر کس صبح کند و توجه به امور مسلمانان ندارد مسلمان نیست، و هر که بشنود مردی فریاد میزند، ای مسلمانان به دادم برسید و به او پاسخ ندهد مسلمان نیست» (حر عاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۳۳۷). آنچه که در این روایت باید مطمح نظر قرار بگیرد آن است که، تمامی مسلمانان به منزله یک گروه به هم پیوسته در نظر گرفته شده‌اند که ویژگی اصلی این گروه منسجم آن است که افراد مسلمان همواره به فکر یکدیگر بوده و سعی و اهتمام جدی در خدمت رسانی به سایر اعضا داشته و لحظه از یکدیگر و کمک به هم نوع خود غفلت نمی‌ورزند. بلکه بالاتر، در حکومت جهانی اسلام، مسلمین افزون بر اینکه باید به فکر یکدیگر باشند باید به فکر دیگر انسان‌ها نیز باشند و لو اینکه به لحاظ عقیدتی با آنان مخالف هستند و این مطلب از کلمه «رجلاً» قابل استنباط است زیرا که کلمه مزبور «نکره» بوده و عمومیت را می‌رساند و بدین سان هم شامل مسلمان و هم غیر مسلمان می‌شود و شاید هم بتوان گفت به قرینه صدر روایت که در مورد اهتمام مسلمانان نسبت به امور یکدیگر سخن گفته شده است، مقصود از کلمه مزبور کمک و خدمت رسانی به غیر مسلمانان باشد؛ بنابراین از منظر روایت فوق، ضابطه تشخیص این امر که چه شخصی داخل در جرگه و أمت مسلمین است و چه شخصی نیست، اهتمام یا عدم اهتمام در خدمت رسانی به هم نوع خود است.

۲-۲-۳. قاعده فقهی «تعاون علی البرّ و التقوی»

یکی از قواعد پر کاربرد و اساسی در فقه اسلامی، قاعده تعاون در امور نیک است. این قاعده که متخذ از آیه ۲ سوره مبارکه مائده^۱ است در مقام بیان این اصل است که مومنان و مسلمانان می‌بایست یکدیگر را در کارهای نیک و شایسته یاری نمایند و یا با همدستی و یکپارچگی اقدام به انجام کارهای پسندیده نمایند.

۱. «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ»

برخی بر استدلال به این آیه برای ثبوت قاعده مزبور به نحو کلی ایراد گرفته‌اند بدین بیان که آیه ۲ سوره مائده در مقام دعوت به «تعاون» است و این مسئله ربطی به موضوع معاونت و اعانت بر امور نیک ندارد و بنابراین آیه دارای چنین شمولیتی که هر ۲ امر (معاونت و تعاون) را شامل شود، نیست. در پاسخ به این اشکال باید اذعان کرد که خداوند سبحان امر به تعاون بر نیکی و تقوی نموده است و همچنین از تعاون بر اثم نهی فرموده است و اینها همگی به اعتبار فعل واحد و یا قضیه واحد نیست بلکه خطاب آیه، به عموم مسلمین و مومنان است که هر کدام دیگری را در امور نیک یاری و در گناهان یاری ننماید.

به عبارت دیگر اطلاق لفظ «تعاون» به اعتبار مجموع قضایاست و نه به اعتبار قضیه یا فعل واحد؛ به عنوان مثال چنانچه زید، عمرو را در انجام کاری یاری نماید و عمرو نیز زید را در انجام کاری کمک کند، تعاون محقق شده است، یعنی با آنکه زید، عمرو را اعانت کرده و همچنین عمرو، زید را یاری داده است اما بر فعل مجموع این دو به اعتبار اینکه ۲ فعل در راستای تحقق مفاد آیه صورت گرفته شده است اطلاق لفظ تعاون با مانعی مواجه نخواهد شد و در نتیجه تعاون شامل معنای اعانت نیز می شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱۱).

از مجموع آنچه که بیان شد می توان نتیجه گرفت که در اُمت واحد اسلامی، مردم مسلمان باید یکدیگر را در انجام کارهای خیر و نیک یاری کنند، زیرا که مفهوم «تعاون» زمانی مصداق پیدا می کند که اعضای جامعه اسلامی روحیه خدمت رسانی به هم نوع را در خود تقویت کرده و آنگاه با کمک یکدیگر اقدام به رفع معضل ایجاد شده نمایند. موبد این مطلب آن است که در روایات «تعاون در رفع مشکلات مسلمان» تأکید و اهتمام ویژه‌ای بدان شده است^۱ این امر تا بدانجا دارای اهمیت است که در روایات نیز به صراحت از مومنین که به فکر رفع معضلات هم نوع و مذهب خود هستند

۱. «پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: مثل مومنان در دوستی و مهربانی و انعطاف نسبت به یکدیگر به مانند یک پیکر است که اگر در یک عضو از بدن دردی ایجاد شود سایر اعضا نیز با شب بیداری و تب وی را همراهی می کنند.» (حبیل، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۷۰)

تعبیر به «پیکر واحد» شده است و بدین ترتیب بر تمامی مسلمانان لازم است که از باب قاعده فقهی مزبور در زمانی که مسلمانی با مشکلی روبه رو شده است و بر اثر حملات دشمن اموال و دارایی خود را از دست داده است با یکدیگر جمع شده و اقدام به رفع مشکل مزبور و بازگشت آن فرد آسیب دیده به چرخه زندگی نمایند.

۲-۳. عدم اختلاف در دین و اطاعت از حاکم اسلامی

از دیگر عناصر لازم و موثر در تشکیل اُمت واحد اسلامی، عدم اختلاف مسلمانان و اطاعت از رهبر و حاکم اسلامی است. در این باره خداوند متعال در آیات و روایات بسیاری به این موضوع توجه داشته و دستور به هم فکری و هم افزایی حول محوریت «اسلام» می‌دهد که در ذیل به بیان ادله مرتبط با این امر پرداخته خواهد شد.

۲-۳-۱. آیات

الف) آیه ۲۱۳ سوره بقره: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأُتِرَ لَهُمُ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ»؛ «مردم [در ابتدای تشکیل اجتماع] گروهی واحد و یک دست بودند [و اختلاف و تضادی در امور زندگی نداشتند]، پس [از پدید آمدن اختلاف و تضاد] خدا پیامبرانی را مژده‌دهنده و بیم رسان برانگیخت، و با آنان به درستی و راستی کتاب را نازل کرد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند. [آن گاه در خود کتاب اختلاف پدید شد] و اختلاف را در آن پدید نیاوردند مگر کسانی که به آنان کتاب داده شد، [این اختلاف] بعد از دلایل و برهان‌های روشن و آشکاری بود که برای آنان آمد، [و سبب آن] برتری جویی و حسد در میان خودشان بود. پس خدا اهل ایمان را به توفیق خود، به حقی که در آن اختلاف کردند، راهنمایی کرد.»

در این آیه شریفه، خداوند متعال انسان‌ها را «اُمت واحد» توصیف نموده است بدین معنا که مردم تا قبل از زندگی به شکل جمعی و اجتماعی براساس همان فطرت‌های الهی خود

یکدست بوده و با هم در صلح و صفا زندگی می‌کردند. اما با تغییر رویکرد زندگانی و تبدیل زندگی قبیله‌ای و فردی به اجتماعی، روز به روز بر دامنه اختلاف‌ها و کشمکش‌ها افزوده می‌شد و در این زمان خداوند متعال جهت نظام بخشیدن و بازگشت مردم به همان حالت اول (أمت واحد) خویش، پیامبران را همراه با شریعت ارسال نمود تا بدین وسیله در میان مردم اقدام به رفع اختلاف نمایند؛ در این بین عده‌ای تسلیم اوامر پیامبران بودند و عده‌ای نیز از روی لجاجت و سرکشی دستورات را اطاعت نمی‌کردند و همین امر موجب تشتت و تفرقه در میان مردم شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۹۴؛ زمخشری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۵۵). بنابراین انسان‌ها با توجه به فطرت الهی شان، همواره طالب اتحاد و همبستگی بوده‌اند؛ در این بین ممکن است به سبب پیشرفت زمانه اختلاف‌هایی پدیدار شود در این زمان دستور شارع حکیم جهت انتظام امور و رفع اختلافات، تبعیت از حکم و قضاوت انبیا علیهم‌السلام که مبتنی بر دستورات شریعت است، می‌باشد. بدین ترتیب از منظر قرآن کریم و آیه مشار الیه، آنچه که سبب تفرقه و عدم اتحاد می‌باشد سرکشی و عناد بوده و این امر مشکلات فراوانی برای اُمت واحد اسلامی با به همراه خواهد داشت و به همین خاطر است که خداوند متعال عدم تبعیت مسلمین از حاکم و دستورات شریعت، که نتیجه آن اختلاف میان مردم و عدم فصل خصومت می‌باشد، را سبب خروج از مسیر هدایت دانسته است.

ب) آیه ۱۱۸ سوره هود: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ»؛ «اگر پروردگارت می‌خواست یقیناً تمام مردم را [از روی اجبار، در مسیر هدایت] امت واحدی قرار می‌داد، [ولی نخواست به همین سبب] همواره [در امر دین] در اختلاف‌اند».

آنچه از این آیه به خوبی قابل استنباط است آن است که از منظر شریعت اسلام و منطق قرآن، تشکیل اُمت واحد حول محوریت اسلام، مطلوب و غایت نهایی از ارسال دین است. این مطلب نیز از آیه اِکمال^۱ به خوبی بدست می‌آید؛ بنابراین از جمع میان دو

۱. «الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده، ۳)

آیه ذکر شده (آیه اکمال و ۱۱۸ هود) می‌توان مطلب زیر را فهمید:

(۱) اصل اولیه آن است که غایت نهایی از ارسال رسولان و انزال کتب، تبدیل شدن به اُمت واحد است و این مطلب از صدر آیه ۱۱۸ هود به خوبی قابل اصطیاد است.

(۲) براساس آیه اکمال، مقصود از کلمه «الیوم» روز و واقعه غدیر خم است (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۴۲)، و با پذیرش ولایت امام علی علیه السلام، به عنوان رهبر و حاکم اسلامی، دین اسلام کامل و تمام شده است و هر آنچه که از امر دین لازم بوده است در این روز و با پذیرش ولایت حضرت علی علیه السلام، فرستاده شده است؛ بنابراین از دو عبارت « أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ » و « رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا » متوجه خواهیم شد که معیار در اکمال دین، پذیرش ولایت و تبعیت از امام علیه السلام به عنوان رهبر و حاکم اسلامی می‌باشد و همین امر است که موجب یأس و ناامیدی دشمنان از پیروزی بر مسلمانان خواهد شد.

(۳) براساس آنچه که در بند قبلی ذکر شد، مطلوب از منظر خداوند متعال آن است که مردم مسلمان با پذیرش دین اسلام که روح آن تبعیت از حاکم اسلامی است، اقدام به تشکیل اُمت واحد نموده و از اختلاف در امر دین که نشان از عدم تبعیت از فرامین حاکم جامعه اسلامی است، اجتناب کنند که در صورت عدم اجتناب موجب از بین رفتن قدرت و انسجام آنان شده و محکوم به شکست خواهند شد و این امری است که خداوند متعال به صراحت در آیه ۴۶ انفال بدان هشدار داده است.

موید این مطلب آن است که فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۸، ص ۴۱۰)، صاحب کتاب «التفسیر الکبیر» در ذیل آیه مزبور این گونه می‌نویسد: «مقصود از ذیل آیه [وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ]، اختلاف در امر دین است که این اختلاف موجب خارج شدن مردم مسلمان از اُمت واحد بودن شده و ربطی به اختلاف در زبان و رنگ و [نژاد] ندارد»^۱.

و در کتاب «تفسیر نمونه» نیز این گونه نوشته شده است: «اگر خدا می‌خواست، همه

۱. «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ عَلَى الْاِخْتِلَافِ فِي الْأَدْيَانِ، فَمَا الدَّلِيلُ عَلَيْهِ، وَ لَمْ لَا يَجُوزُ أَنْ يَحْمَلَ عَلَى الْاِخْتِلَافِ فِي الْأَلْوَانِ وَالْأَلْسِنَةِ وَالْأَرْزَاقِ وَالْأَعْمَالِ. قُلْنَا: الدَّلِيلُ عَلَيْهِ أَنْ مَا قَبْلَ هَذِهِ الْآيَةِ هُوَ قَوْلُهُ: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً» فَيَجِبُ حَمْلُ هَذَا الْاِخْتِلَافِ عَلَى مَا يَخْرُجُهُمْ مِنْ أَنْ يَكُونُوا أُمَّةً وَاحِدَةً...»

مردم را امت واحد قرار می‌داد ولی خداوند چنین کاری را نکرده و همواره انسان‌ها با هم اختلاف دارند (وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ). تا کسی تصور نکند تأکید و اصرار پروردگار در اطاعت فرمانش دلیل بر این است که او قادر بر این نبود که همه آنها را در یک مسیر و در یک برنامه معین قرار دهد. آری هیچ مانعی نداشت که او به حکم اجبار و الزام، همه انسان‌ها را یک نواخت و مؤمن به حق و مجبور بر قبول ایمان بیافریند. ولی نه چنین ایمانی فایده‌ای داشت، و نه چنان اتحاد و هماهنگی...» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۲۷۸).

بنابراین اتحادی از نظر اسلام مطلوب است که از روی اراده و اختیار مسلمین انجام گرفته باشد و این امر در زمانه کنونی که مواجهه جبهه حق علیه باطل بیش از پیش شده است از ضرورت بیشتری برخوردار است و این مهم تحقق نمی‌یابد مگر در ضمن تبعیت از حاکم اسلامی و پذیرش دین اسلام به عنوان دین واحد.

۲-۳-۲. روایات

در رابطه با لزوم تبعیت از حاکم اسلامی و عدم اختلاف در دین به عنوان یکی از عوامل موثر در تشکیل امت واحد، روایات بسیاری از ائمه اطهار علیهم‌السلام صادر شده است که به جهت اختصار به ذکر دو روایت و توضیح آن اکتفا خواهد شد.

ألف) روایت منقول از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «... فَأَنْتُمْ «اهل البيت» اهل الله عزوجل الذين بهم تمت النعمة واجتمعت الفرقة واثلت الكلمة.»؛ «شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی بر طرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۴۶).

این روایت به خوبی به بیان لزوم تبعیت از حاکم اسلامی و عدم اختلاف در دین می‌پردازد؛ با این بیان که در روایات فوق، عامل اصلی جهت رفع اختلافات و درگیری‌ها را ذوات مطهر ائمه علیهم‌السلام و پیروی آنان دانسته است، از عبارت «اجتمعت الفرقة» می‌توان فهمید که با تبعیت از فرامین معصوم علیهم‌السلام است که اجتماع حاصل می‌شود و مسلمانان با هم متحد و تبدیل به امت واحد می‌شوند و گرنه صرف وجود

أهل بیت (علیهم السلام) و عدم تبعیت از دستورات آنان موجب اتحاد نخواهد شد. همچنین به واسطه تبعیت از ائمه اطهار (علیهم السلام) است که اتحاد و وحدت کلمه (وحدت در دین) حاصل می‌شود و موید این مطلب که مقصود از «اتلفت الکلمة»، اتحاد در امر دین می‌باشد، آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران^۱ است که به صراحت در این آیه شریفه اتحاد در امر دین و مشترکات میان مذاهب اسلامی، با تعبیر «کلمه» بیان شده است.

بنابراین با توجه به آنچه که گفته شد، به یقین اتحاد کلمه و عدم اختلاف در دین در سایه سار تبعیت از حاکم جامعه اسلامی است -البته در ادامه شرایط حاکم صالح بیان خواهد شد- و باید مسلمین به سمتی حرکت کنند که دشمن نتواند از شکاف میان آنان به سود خود و به ضرر آنان استفاده نماید و این امر زمانی به تحقق خواهد پیوست که مسلمانان اقدام به تشکیل حکومت واحد اسلامی کنند و تبدیل به اُمت واحد شوند.

ب) روایت منقول از حضرت زهرا (علیها السلام): «... و طاعتنا نظاما للملة و امامتنا لما للفرقة و الجهاد عز الاسلام.»؛ «پیروی از ما «اهل بیت» نظام امت، و رهبری ما عامل وحدت، و جهاد مایه عزت و سربلندی اسلام است» (اربلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۰۹).

این روایت با صراحت بیشتری به بیان این مطلب می‌پردازد که پیروی از فرامین و دستورات اهل بیت (علیهم السلام)، به جهت منصب ولایت و رهبری که از جانب خداوند به آنها اعطا شده است موجب انسجام اُمت و یکپارچگی مسلمین خواهد شد. نکته قابل توجه در این روایت آن است که حضرت زهرا (علیها السلام) به بیان مذکور اکتفا نکرده است و بلافاصله در عبارت بعدی و به جهت تأکید مضاعف بر مطلب فوق، رهبری و حکومت توسط ائمه اطهار (علیهم السلام) را موجب وحدت دانسته است.

ممکن است که اشکال شود که حدیث مذکور ربطی به «عدم اختلاف در دین» به عنوان

۱. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»

عامل مهم در تشکیل حکومت و اُمت واحد ندارد در نتیجه این حدیث اُخص از مدعا است. در پاسخ به این اشکال باید گفت دستورات اُثمه علیه السلام همان دستورات پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و خداوند متعال بوده که مبتنی بر شرع انور اسلام می باشد و به همین جهت است که اطاعت از آنان واجب است و اگر چیزی جزء دستورات اسلام به مردم القا نمایند بنا بر نص صریح قرآن کریم^۱ با آنان برخورد سختی خواهد شد. و بر همین اساس می توان گفت که تبعیت از فرامین اُثمه علیه السلام با محوریت احکام شریعت اسلام است که عامل اجتماع مسلمین و اتحاد آنان خواهد بود.

۲-۳-۳. قاعده فقهی «لاضرر»

از جمله قواعد فقهی مهم در شریعت اسلام که در ابواب مختلف فقه از آن استفاده شده است قاعده «لاضرر» است. براساس این قاعده چنانچه حکمی از احکام شریعت منجر به ورود ضرر به مکلفین شود مطابق با قاعده مزبور حکم ضرری منتفی خواهد شد. در واقع در این حالت، قاعده لاضرر بر دلیل آن حکم حکومت داشته و حکم مذکور در این وضعیت منتفی خواهد بود (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۴۴۵). از سوی دیگر ادله لاضرر از زمره ادله امتنانی خوانده شده است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۸۹). امتنانی بودن یک دلیل به معنای آن است که این دلیل از سویی برای تخفیف و تسهیل مکلفان در نظر گرفته شده است و از سوی دیگر جریان یک دلیل امتنانی نباید برای یک نفر لطف و امتنان بوده و برای دیگران موجبات ضرر و زیان را فراهم سازد. قاعده لاضرر از آنجاکه یک حکم امتنانی را دربردارد، در مواردی که یک حکم موجب ضرر به یک نفر و سود به شخص دیگر شود، بر آن دلیل حاکم خواهد بود.

براساس آنچه که بیان شد، بدیهی است که عدم اتحاد حول محوریت دین و حاکم اسلامی منجر به تفرقه و تشتت در میان مردم شده و بدین گونه دشمنان با استفاده از عدم همبستگی مسلمین اقدام به تهاجم علیه مسلمین نموده و آسیب ها و صدمات جبران

۱. «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْأَيْمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (حافه، ۴۴-۴۶)

ناپذیر را بر پیکره اسلام و جامعه اسلامی وارد می کنند که این امر ضرری است بس بزرگ که منهی عنه شارع حکیم و فرزانه است.

۲-۳-۴. قاعده فقهی «حفظ نظام»

اصطلاح «نظام» در فقه شیعه در معانی مختلفی به کار رفته است. از جمله معانی مستعمل در مورد این واژه معنای «بیضه یا مرکزیت جامعه و اُمت مسلمان» و «حکومت و نظام سیاسی» است (نجفی، ۱۴۳۲ق، ج ۱۴، ص ۱۷۵؛ نائینی، ۱۴۲۴ق، ص ۳۹).

بدین ترتیب می توان گفت که مقصود از قاعده «حفظ نظام»، حفظ دین اسلام اعم از حفظ اُصل وجود دین و پیشگیری از تبدیل و تقلب در آموزه های آن و حفظ حکومت اسلامی تحت حاکمیت واحد است. به این معنا که چنانچه اساس دین اسلام و وجود آن در معرض خطر قرار بگیرد و یا حاکمیت اسلامی در معرض هجوم دشمنان قرار بگیرد بر همه مسلمانان واجب است که به دفاع از ارزش ها و کیان جامعه اسلامی اقدام نمایند؛ بنابراین، وظیفه مسلمین افزون بر آنکه به دفاع از اسلام و ارزش های آن و حاکمیت اسلامی می پردازند، باید از انجام هر عملی که منجر به فروپاشی و از بین رفتن هماهنگی و پیوستگی جمعیت نظام مند مسلمانان شود خودداری کنند. به طور قطع یکی از عوامل مهم در از بین رفتن مرکزیت اُمت اسلام و تضعیف حاکمیت می شود، اختلاف مردم مسلمان در امر دین است و قرآن کریم در آیات متعدد - که به برخی از آنها اشاره شد - از اختلاف در امر دین نهی فرموده و سرانجام نامبارک چنین اختلافاتی را چیزی جزء از بین رفتن اُمت اسلامی و دین اسلام نمی داند. همچنین عدم تبعیت از حاکم اسلامی نیز از آن جهت که منجر به کاهش اقتدار حاکمیت و در نتیجه در صورت تداوم این امر، پیامدی جزء هرج و مرج و اضمحلال در انتظار آن جامعه اسلامی نخواهد داشت، منهی عنه شارع مقدس بوده و بدین ترتیب بر تمامی مسلمانان واجب است که به جهت وجوب حفظ نظام حاکمیتی و کیان دین اسلام از هر گونه عوامل تفرقه آمیز جلوگیری به عمل آورد و با اتحاد و یکپارچگی روز به روز به قدرت خود جهت مقابله با مستکبرین بیافزاید.

نتیجه‌گیری

- از جمله شرایط لازم جهت تشکیل دولت و اُمت واحد اسلامی، رعایت اعتدال و میانه‌روی توسط رهبران جامعه و ملت است؛ این اعتدال باید در تمامی اعمال آنان نمود داشته باشد.
- در اندیشه سیاسی اسلام، داشتن روحیه ایثار و خدمت رسانی به هم نوع در سختی‌ها و مشکلات به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل سازنده دولت و اُمت واحد اسلامی و موفقیت در رویارویی با مشکلات معرفی شده است.
- بنابر آیات و روایات، مسلمین می‌بایست به‌گونه‌ای به فکر یکدیگر و یاری رساندن به هم نوع خود باشند که نوعی اتحاد وجودی میان آنان شکل بگیرد و همانند اعضای خانواده خود که در سختی‌ها از بهترین داشته‌های خود به عضو مصیبت دیده می‌بخشند، باید این دیدگاه در جامعه پدیدار شود تا «اُمت واحد» به تعبیر قرآن شکل پذیرد.
- از جمله عوامل موثر در ایجاد اختلاف در اُمر دین، عدم تبعیت از حاکم جامعه است؛ عدم تبعیت موجب هرج و مرج در مسائل مختلف از جمله عقاید و اعتقادات شده است و موجب تسلط دشمن بر مسلمین می‌شود.
- اختلاف در اُمر دین در شریعت اسلام به‌عنوان عاملی از آن یاد شده است که منجر به تفرقه و فروپاشی نظام سیاسی و اُمت واحد می‌شود و در نقطه مقابل، رعایت اتحاد و همدلی عاملی جهت استقرار حاکمیت اسلام در جهان خواهد بود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

أربلي، علي بن عيسى. (١٤٠٩ق). كشف الغمه في معرفة الاثمه عليه السلام (ج ٢). تهران: انتشارات اسماعيليه.

أنصاري، مرتضى. (بی تا). كتاب النكاح (ج ٢). بيروت: تراث شيخ أعظم.

إبن منظور، محمد بن مكرم. (١٤١٢ق). لسان العرب (ج ٩). بيروت: دار الصادر.

آشوري، داريوش. (١٣٧٦). دانشنامه سياسي. تهران: انتشارات سمت.

تركي، عبد المجيد. (١٣٩٠). اجتماع أمت مومنان (ج ١). تهران: انتشارات تحقيقات اسلامي.

حنبل، أحمد. (١٤٢٠ق). مسند أحمد (ج ٤، ٨). بيروت: موسسه الرسالة.

حر عاملی، محمد بن حسن. (١٤١٥ق). وسائل الشيعه (ج ١٦). قم: موسسه آل البيت لاحياء التراث.

خوشدل، حسين. (١٣٩٩). بازشناسی معنای امت واحد با تأکید بر آیه "و لو شاء ربك لجعل.

الناس امة واحدة و لا يزالون مختلفين، پژوهشنامه تفسير و زبان قرآن، ٨ (١٦)، صص ٢٩-٤٤.

ديلمی، حافظ شيرويه. (١٤١٢ق). فردوس الأخبار (ج ١). دمشق: دار الكتاب العربي.

راغب اصفهانی، أبو القاسم. (١٤١٤ق). المفردات في غريب القرآن (ج ١، ٥). بيروت: دار القلم.

زمخشري، أبو القاسم محمود. (١٤١٢ق). الكشف عن حقائق غوامض القرآن (ج ١). بيروت: دار الكتاب العربي.

شهيد صدر، سيد محمد باقر. (١٤٠٧ق). الأسس الاسلاميه. بيروت: دار الفرات.

طباطبائي، سيد محمد حسين. (١٤١٨ق). الميزان في تفسير القرآن (ج ١). قم: انتشارات اسماعيليان.

طبرسي، فضل بن حسن. (١٤١٥ق). مجمع البيان في تفسير القرآن (ج ٣). بيروت: موسسه الأعلمي للمطبوعات.

طیبی، محمد؛ یعقوب پور، ملیحه. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی نظرات تفسیری فریقین درباره امت واحده در آیه ۲۱۳ سوره بقره، مجله اندیشه‌های قرآنی متفکران معاصر، ۱۶(۱۲۷). صص ۱۲۱-۱۲۶.

عمادی، أبو السعود. (۱۴۱۱ق). ارشاد العقل السليم الى مزايا الكتاب الكريم (ج ۸). بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

عبد الخانی، ماجده. (۱۳۹۶). ضرورت اتحاد و اخوت اسلامی از منظر قرآن و حدیث، مجله قرآنی کوثر، نیمه دوم تابستان و نیمه اول پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۶۰، صص ۹۵-۱۱۰.

فخر رازی، أبو عبدالله. (۱۴۲۱ق). التفسیر الكبير (ج ۱۸). بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۲). تفسیر نور (ج ۱، ۵). تهران: المکتبه الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الفروع الکافی (ج ۱، ۲). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). مکاسب محرمه (ج ۱). قم: انتشارات اسماعیلیان.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۹). تفسیر نمونه (ج ۲، ۳، ۹). تهران: انتشارات اسماعیلیان.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۸ق). بحار الانوار (ج ۲۲). تهران: کتابخانه ولی عصر.

مصطفوی، حسن. (۱۴۲۰ق). التحقيق فی الکلمات القرآن (ج ۹). قم: النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين بقم المشرفه.

نائینی، محمدحسین. (۱۴۲۴ق). تنبيه الأئمة و تنزيه الملة. قم: النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين بقم المشرفه.

مهاجر میلانی، امیر. (۱۴۰۱). امکان‌سنجی تقریب بر پایه مفهوم امت واحده در دوره معاصر؛ ظرفیت‌ها، موانع و راهکارها، مجله مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ۱۷(۵۷)، صص ۵-۲۵.

نجفی، محمدحسن. (۱۴۳۲ق). جواهر الکلام فی شرح الشرايع الاسلام (ج ۱۴). بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.